

تجارت دخانیات در فقه^۱

رضا شیخ‌الاسلامی^۲

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، رشته‌ی فقه و حقوق، تهران، ایران.

چکیده

استعمال و خرید و فروش دخانیات به عنوان نخستین «شبهه‌ی حکمی‌ی تحریمی‌ی ما لانص فی‌ه» در معرض قضاوت و فتوای مجتهدین قرار گرفته است. البته موضوع، مورد اختلاف نظر فراوان میان آنان بوده است. این مقاله با بررسی دلایل و مبانی فقهی حرمت بیع اعیان نجس، حرمت بیع آن‌چه که موجب کمک به گناه می‌شود، حرمت بیع کالاهای فاقد منفعت محله و حرمت بیع آلات لهو و با استناد به قواعدی نظیر: قاعده‌ی تسبیب و در مقابل قاعده‌ی تحذیر و اقدام، حرمت و حلیت خرید و فروش دخانیات را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نتیجه برای «عرف»، نقش عمده‌ای در حکم استعمال و بیع دخانیات قائل است. البته دستیابی به یک نظر متقن نیازمند تأمل بیشتر خواهد بود.

واژگان کلیدی: دخانیات، بیع، منفعت محله، اعیان نجس.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱/۱۹؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۵/۱۰.
۲. پست الکترونیک: r.sheikholeslami62@yahoo.com

مقدمه

حضرت ولی عصر (ع) فرمودند: «و اما الحوادثُ الواقعةُ فارجعوا فیها الی رواةِ حدیثنا فانَّهم حَجَّتِ علیکم و انا حجةُ الله» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲۷، ص ۱۴۰). امروز که در تاریکی دوران غیبت و در سایه‌ی گسترش روزافزون علم بشری، روز به روز بر این حوادث واقعیه افزوده می‌شود، جایگاه اصلی دانش فقه و اصول و شأن اساسی راویان حقیقی احادیث پیامبر (ص) و خاندان پاک او (ع) و نیاز واقعی و عطش جامعه‌ی اسلامی به فقه و فقها بیش‌تر نمود می‌یابد.

یکی از این امور مستحدثه که می‌تواند به عنوان نخستین «شبهه‌ی حکمیه تحریمیه مالانصّ» تلقی شود، مسأله‌ی استعمال دخانیات (سیگار، قلیان و پپ) و سپس خرید و فروش آن است. مسأله‌ای که با وجود سابقه‌ی کوتاه ۴۰۰ ساله‌ی خود، به سرعت مرزهای زمان، مکان، سن، جنسیت، میزان سواد و شئون اقتصادی و اجتماعی را درنوردیده و بخش عظیمی از جامعه‌ی بشری را درگیر کرده و تقریباً همه‌ی ساحت‌های زندگی، علم و فناوری را مورد تاخت و تاز قرار داده است.

بدیهی است دانش فقه و اصول فقه نیز از نفوذ شگفت‌انگیز این امر دور نمانده و درآمیختن مسأله‌ی شرب توتون با بخش بزرگی از احکام شرعی و مباحث و مسائل اصولی موجب بروز واکنش‌های بسیار متفاوت و مختلف و صدور احکام کاملاً متضاد با هم شده است. افزون بر این مطالعه‌ی تاریخ فقاقت نشان می‌دهد که گاه همین موضوع به ظاهر کوچک چه نقش بزرگی را ایفا کرده است و زمانی به برجسته‌ترین تفاوت میان اخباریون و اصولیون بدل شده است^۱ و زمانی دیگر در قالب «فتوای تحریم تنباکو» و به عنوان یک حکم حکومتی، پایه‌های قدرت سیاسی را متزلزل کرده است و در طول این سال‌ها صدها رساله و کتاب در این باره به نگارش درآمده است که در حقیقت به غنای مباحث اصولی و کیفیت استفاده‌ی صحیح از «عقل» در دانش «فقه» افزوده است.

۱. «ان الاخباریین التزموا بالاحتیاط فی الشبهات التحریمیه و لذا ذهبوا الی تحریم شرب التتن و بالغوا فیه حتی صارت «حرمه شرب التتن» لهم شعارا و ألفوا فیها کرارا و مرارا» (جمعی از بزرگان، بی تا، ج ۱، ص ۴۱).

همین واکنش‌ها مسأله‌ی استعمال دخانیات را از یک حکم جزئی مختصر به یک مسأله-ی زیربنایی در فقه بدل می‌کند و افزون بر ارتباط با چند اصل مهم اصولی و فقهی و معنا و حوزه‌ی کارکرد چند قاعده‌ی فقهی اساسی با موضوعات بنیادین دانش فقه مانند عقل و معنا و اعتبار آن، معنا و مفهوم براءت و اباحه، معنی و اعتبار عرف و سیره‌ی متشرعه، انسداد یا انفتاح باب اجتهاد، حکم اولی، ثانوی و حکومتی، رابطه‌ی دین با علم و نیز با تفریح و مسایل بسیار دیگر گره می‌خورد.

۱- ادله‌ی حلیت استعمال دخانیات

پیش از ورود به اصل بحث، ناگزیر به ادله‌ی حلیت و حرمت استعمال دخانیات از دیدگاه موافقان و مخالفان به طور فهرست‌وار اشاره می‌کنیم. بررسی دقیق کتاب‌های فقهی و اصولی نشان می‌دهد که برخی از فقها با استناد به دلایل زیر، استعمال دخانیات را حلال دانسته‌اند:

۱-۱- اصل براءت

اگر به دلیل فقدان نص در حرمت چیزی شک کنیم به عقیده‌ی علمای اصول در این جا اصل براءت جاری می‌شود. فقها (انصاری، ۱۳۷۵ هـ.ش، ج ۱، ص ۳۱۵؛ نائینی، ۱۳۶۸ هـ.ق، ج ۲، ص ۱۷۶؛ صدر، تاریخ، ج ۲، ص ۲۲۴؛ روحانی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۲۴، ص ۹۵) به صراحت بر این امر در شبهه‌ی شرب توتون تأکید کرده‌اند.

۱-۲- اصل اباحه

«هرگاه در حرام بودن چیزی تردید کنیم، اصل اباحه جاری کرده حکم به عدم حرمت می‌کنیم. زیرا آن چه نیازمند نص است، الزامات قانونی است. در غیر این صورت عدم الزامات قانونی احتیاجی به نص ندارد. پس اصل در اشیا قبل از ورود شرع، اباحه است» (ولایی، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۷۲). بسیاری از فقها حکم به اباحه را دلیل اصلی حلیت استعمال دخانیات دانسته‌اند. (مولف، صص ۷ تا ۱۴؛ فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۴۳۳).

۳-۱- سیره‌ی متشرعه

بررسی کاربردهای استعمال دخانیات در ابواب مختلف فقه نشان می‌دهد که فقهای امامیه از ابتدا نگاهی مثبت به این امر داشته و آن را حرام نمی‌دانسته‌اند. استعمال دخانیات در ابواب مختلفی هم‌چون اختلاف بر سر تفتیر یا عدم تفتیر شرب دخان، جواز سجده بر توتون و تنباکو، جواز نذر و قسم بر ترک دخانیات به عنوان یک امر مباح، اشمال نفقه‌ی زن بر توتون، شروط ضمن عقد، طلا و نقره بودن بادگیر قلیان و مسایل بیع آمده است و در هیچ کدام نشانه‌ای که مترتب بر حرام بودن استعمال دخانیات باشد لحاظ نشده است. اما اغلب فقهای اهل تسنن و برخی فقهای امامیه با رد این دلایل و با استناد به اصول و قواعد زیر، به حرمت استعمال دخانیات فتوا داده‌اند.

۲- ادله‌ی حرمت استعمال دخانیات

۲-۱- اصل احتیاط

به نظر این گروه، اصل برائت مختص شبهه موضوعیه است نه تحریمیه و تنها اموری مباح است که در سنت سابقه‌ی حکم اباحه بر آن صراحت داشته باشد، بنابراین استعمال دخانیات مجرای اصل احتیاط است (حرعاملی، ۱۴۰۳هـ.ق، ص ۲۲۵؛ اراکی، تاریخ، ج ۱، ص ۱۳۵).

۲-۲- مسکر بودن دخانیات

برخی فقهای اهل سنت مانند علامه باجوری (صنعانی، بی‌تا، ص ۴۲) و به گفته‌ی شیخ جعفر کاشف الغطاء (کاشف الغطاء، تاریخ، ص ۵۲) برخی از فقهای شیعه اخباری دخانیات را مسکر و در نتیجه استعمال آن را حرام می‌دانند.

۲-۳- قاعده‌ی لاضرر

فقهایی که این قاعده را مبنای حرمت استعمال دخانیات قرار داده‌اند درحقیقت ضرر به نفس و ضرر دنیوی را مشمول این قاعده دانسته‌اند و مرجع تشخیص ضرر را کارشناسان علوم پزشکی فرض کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷هـ.ق، ج ۳، ص ۱۷۴).

۲-۴- قاعده‌ی اسراف

بسیاری از فقهای اهل تسنن (صنعانی، بی‌تا، صص ۳۸ تا ۴۱) و نیز فقهای امامیه (حر عاملی، ۱۴۰۳هـ.ق، ص ۲۲۴؛ رضوی کاشانی، بی‌تا، ص ۱۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷هـ.ق، ج ۳، ص ۱۷۴) از قاعده‌ی اسراف برای اثبات حرمت استعمال دخانیات استفاده کرده‌اند.

۲-۵- حرمت لهو

برخی از فقها حرمت لهو و لغو را از جمله‌ی ادله‌ی تحریم شرب توتون دانسته‌اند (همان، ص ۲۲۵). آیت‌الله وحید خراسانی به آیه‌ی «و الذینهم عن اللغو معرضون» برای تحریم استعمال دخانیات استناد می‌کند (صرامی، ۱۳۷۸هـ.ش، ص ۴۶).

۲-۶- استناد به حرمت خوردن خاک

از نظر فقهایی چون شیخ حر عاملی (حرعاملی، ۱۴۰۳هـ.ق، ص ۲۲۵) و مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷هـ.ق، ج ۳، ص ۱۷۴) استعمال دخانیات مانند بیماری خوردن خاک است و روایات صریح در حرمت اکل طین می‌تواند توجیه مناسبی برای تحریم استعمال دخانیات باشد.

۲-۷- حرمت تشبه به کفار

بسیاری از فقهای اهل سنت (برفی، ۱۳۸۲هـ.ش، ص ۲۴۹) و برخی از علمای امامیه مانند شیخ حرعاملی با استناد به این حکم، استعمال دخانیات را حرام دانسته‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۳هـ.ق، ص ۲۲۴).

۲-۸- حرمت بدعت

اکثر فقهای اهل سنت و برخی از علمای شیعه مانند شیخ داود بن الحسن الجزائری، علی نقی شیرازی کمره‌ای، عماد مازندرانی، فخرالدین طریحی، محمد بن الحسن حر عاملی، استعمال دخانیات را بدعت در دین می‌دانند (نوری، ۱۳۸۵هـ.ش، صص ۱۱۴ تا ۱۴۷). اما فقهای مخالف با استعمال دخانیات در برابر مسأله‌ی خرید و فروش آن دو گروه شده‌اند: برخی استعمال و تجارت دخانیات را حرام می‌دانند. گروه دوم با وجود اعتقاد به

حرمت استعمال دخانیات، خرید و فروش آن را جایز می‌شمارند. هرکدام از این دو گروه برای اثبات باور خود به دلایلی استناد کرده‌اند. گروه اول مبانی فقهی زیر را مبنای حکم به «حرمت بیع دخانیات» قرار داده‌اند.

۳- ادله‌ی حرمت خرید و فروش دخانیات

۳-۱- حرمت بیع اعیان نجس

برخی از فقهای اهل سنت و برخی از فقهای شیعه‌ی اخباری، دخانیات را مسکر می‌دانند. از آن‌جا که به فتوای اغلب فقها هر مسکری نجس است^۱، حرمت بیع دخانیات می‌تواند از باب حرمت اعیان نجس باشد. چنان‌که صنعانی، علامه باجوری را از علمای اهل سنت قائل به تحریم بیع توتون می‌داند (صنعانی، بی‌تا، ص ۴۲). شیخ جعفر کاشف الغطاء در کتاب *الحق المبین* ضمن برشمردن دلایل حرام دانستن توتون از نگاه اخباریین یکی از دلایل آن‌ها را سکرآور بودن توتون می‌داند، در نتیجه آن را حرام دانسته است و این‌که مقدار زیاد آن مست می‌کند، حکم به تحریم آن را برنمی‌دارد. زیرا روایت شده که چیزی که زیاد آن مستی آورد، کم و زیادش هر دو حرام است (کاشف الغطاء، تاریخ، ص ۵۲). در شرح احوال شیخ صالح بحرانی شیرازی آورده‌اند که وی حد شرب خمر را بر شارب توتون جاری می‌کرد (جمعی از بزرگان، بی‌تا، ص ۱۰۲).

۳-۲- حرام بودن بیع آن‌چه موجب اعانت بر اثم

در معنا و مفهوم «اعانت» و «اثم» قدری اختلاف نظر هست. شیخ انصاری اعانت را عبارت است از انجام بعضی از مقدمات کاری که دیگری انجام می‌دهد با قصد انجام تحقق فعل از آن شخص مورد نظر نه بدون قصد می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵هـ.ق، ج ۱، ص ۶۸). «اثم» را نیز شامل همه‌ی گناهان و تمام مقدمات گناه دانسته‌اند. فقها برای اثبات حرمت کمک به گناه به دلایل مختلفی از آیات و روایات استناد کرده‌اند:

۱. برخی فقها مسکر جامد را نجس نمی‌دانند، هرچند خوردن و بیع آن حرام است (قمی، ۱۴۲۳هـ.ق، ج ۱، ص ۴۶).

۱-۲-۳- آیات

الف - آیه ۲ سوره ی مائده: «یا ایها الذین آمنوا... و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا الله ان الله شدید العقاب» ؛ یعنی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید ... در نیکوکاری و تقوا با هم همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است».

ب - آیاتی که بر وجوب دفع منکر دلالت دارند، مانند آیه ۱۰۴ آل عمران: «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» ؛ یعنی «و باید از میان شما گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند».

۲-۲-۳- روایات

الف - روایتی از حضرت رسول که فرمودند: « ان الله اذا حرم شیئا حرم ثمنه»؛ یعنی «خداوند هرکاری را حرام فرموده، اجرت آن را نیز حرام کرده است» (مجلسی، ۱۴۰۴هـ.ق، ج ۱۰۰، ص ۵۵).

ب - روایت بسیار مفصلی از امام صادق (ع) که فرمودند: «و هر چیزی که از آن نهی شده از چیزهایی که با آن به غیر خدا تقرب جویند یا با آن کفر و شرک را تقویت کنند از همه‌ی وجوه گناهان یا از این جهت که با آن به حق توهین شود، پس خود آن و خرید و فروش و نگه‌داری و تملک و بخشیدن و امانت دادن آن نیز حرام است» (حرعاملی، ۱۴۰۹هـ.ق، ج ۱۷، ص ۸۵).

۳-۲-۳- حکم عقل

عقل به قبح اعانت بر اثم که سبب خشم مولی می‌شود، حکم کرده است. هم‌چنین عقل تهییجی مقدمات و اسباب فعل حرام و اعانت بر فعل را قبیح و در نتیجه معین را مستحق عقاب می‌داند (بجنوردی، ۱۴۰۱هـ.ق، ج ۲، ص ۲۳۶).

۴-۲-۳- اجماع

فقها برای اثبات حرمت مبیعه چیزهایی که موجب کمک به معصیت می‌شود، ادعای اجماع دارند. هرچند این اجماع مدرکی است و دلیل مستقل محسوب نمی‌شود. بدیهی است حرمت این نوع بیع به دو شرط است؛ یکی این که فروشنده به نیت کمک به معصیت خریدار چیزی را بفروشد، وگرنه اگر چیزی هم در راه حلال و هم در راه حرام کاربرد داشته باشد و فروشنده نداند که خریدار به چه منظوری آن را می‌خرد، از مصداق این امر خارج می‌شود. دوم این که این بیع به‌طور مستقیم موجب معصیت باشد وگرنه فروش هر چیزی به ظالم حرام است، زیرا موجب تقویت جسم او و در واقع کمک به ظلم محسوب خواهد شد.

از دیدگاه فقهای که استعمال دخانیات را از آن جهت که مثلاً هیچ استفاده‌ی دیگری جز دود کردن ندارد، حرام می‌دانند، خرید و فروش آن نیز می‌تواند کمک به گناه محسوب شود. برخی از علمای اهل سنت برای تحریم بیع دخانیات به این قاعده استناد کرده‌اند (نوری، ۱۳۸۵ هـ.ش، ص ۱۲۰).

۳-۳- حرام بودن بیع فاقد نفع عقلایی حلال

فقها با استناد به آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی نساء: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ»؛ یعنی «اموال یکدیگر را به باطل و ناحق نخورید»، صحت معامله را به وجود منفعت محلله‌ی مقصوده مشروط دانسته‌اند. اگرچه برخی از فقها این نوع مبیعه را در مصادیق مشخصی محدود کرده‌اند؛ خرید و فروش چیزهایی که به هیچ نحوی نمی‌توان از آن‌ها انتفاع برد و این سه چیز حشرات الارض، مسوخات (حیواناتی که مسخ شده‌اند) و سیاع است» (نراقی، بی‌تا، ص ۳۹). ولی اکثر فقها «تعیین نفع برای کالاها را منوط به تشخیص عرف در هر زمان و مکان می‌دانند و به همین دلیل بیش‌تر از عبارت منفعت «عقلایی حلال» استفاده می‌کنند، زیرا اگر چیزی منفعت عقلایی نداشته باشد، عرفاً مال محسوب نمی‌شود و اگر منفعت آن حلال نباشد، شرعاً مال محسوب نمی‌شود» (یوسفی، بی‌تا، ص ۱۳۷).

بسیاری از علمای متقدم امامیه بر حلیت بیع تریاک صراحت دارند: «سم‌های کشنده، کم و زیادشان حرام است. اما آن‌چه مانند افیون و سمونیا که مقدار کم آن کشنده نمی‌باشد، بیع آن جایز است...» (محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۳، ص ۱۷۶). «اگر زهرهای

کشنده از این نوع باشند که مصرف اندک آن مانند تریاک و سقمونیا فایده داشته باشد، بیع آن جایز است...» (علامه حلی، ۱۴۱۳هـ.ق، ج ۲، ص ۱۵۷). اما برخی از فقهای اهل تسنن با استناد به این حکم، خرید و فروش دخانیات را حرام دانسته‌اند (خضری، بی تا، ص ۱۲۴).

۴-۳- حرمت بیع آلات لهو

علما با استناد به آیات و روایات^۱ بر حرمت بیع آلات لهو اجماع کرده‌اند. بررسی این روایات نشان می‌دهد که مصادیق لهو بسیار محدود و شامل آلات موسیقی و قمار و بت‌ها است. در ذیل آیه‌ی ۹۰ از سوره‌ی مائده: «یا ایها الذین آمنوا آتوا الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون»، از حضرت رسول (ص) نقل کرده‌اند که فرمود: «به تحقیق خداوند مرا برای هدایت و رحمت برای جهانیان برانگیخت و به من دستور داد نی‌ها و آلات طرب و تارها و بت‌ها و امور جاهلیت را نابود کنم ... همانا خرید و فروش و درآمد و تجارت آن‌ها حرام است» (محدث نوری، ۱۴۰۸هـ.ق، ج ۱۳، ص ۲۱۹). امام باقر (ع) نیز در تفسیر همین آیه فرمود: «اما میسر همان نرد و شطرنج و به‌طور کلی هر آلت قماری است... همه‌ی این آلات خرید و فروش و هرنوع درآمد و سودی از آن‌ها حرام است» (حر عاملی، ۱۴۰۹هـ.ق، ج ۱۷، ص ۳۲۲).

با این همه فقها بر حرمت خرید و فروش آلات لهو اجماع دارند، اما در مورد آلات مشترک یعنی چیزهایی که هم در لهو و هم در کار مباح استفاده می‌شوند، اعتقاد آنان بر حرمت بیع است. از آن‌جا که سیگار فقط برای دودکردن استفاده می‌شود، علمایی که به لهو بودن استعمال دخانیات اعتقاد دارند، خرید و فروش آن را نیز طبق این قاعده حرام می‌دانند (لاری، ۱۴۱۸هـ.ق، ج ۱، ص ۱۴).

۵-۳- قاعده‌ی نفی سبیل

مفهوم و محتوای قاعده‌ی نفی سبیل این است که در شریعت اسلام حکمی که باعث سلطه و برتری کافر بر مؤمن گردد وضع و جعل نشده است. در روزگاری که توتون و تنباکو فقط از طریق بلاد کفر وارد کشورهای اسلامی می‌شد، بسیاری از علما به ویژه در کشورهای

۱. لقمان، ۶؛ مدثر، ۴۲ تا ۴۵؛ انبیاء، ۲ و ۳ و توبه، ۶۵ و روایات تفسیری ذیل این آیات.

سنی‌نشین مانند عثمانی، شام، مصر، مغرب و حجاز با استناد به همین قاعده بر حرام بودن استعمال دخانیات حکم دادند (برفی، ۱۳۸۲ هـ.ش، صص ۷۹ تا ۸۶). امروز هم برخی از فقها، قاچاق و خرید و فروش سیگار خارجی را به همین دلیل حرام دانسته‌اند (موسوی گلپایگانی، تاریخ، ج ۱، ص ۵۶۳).

۶-۳- قاعده‌ی تسبیب

بحث تسبیب طبق رویه‌ی معمول نزد فقها، بلافاصله در ذیل عنوان اتلاف مطرح می‌شود. قاعده‌ی اتلاف یکی از قواعد معروف فقهی است که فقها برای اثبات ضمان به آن استناد می‌کنند و منظور از این قاعده این است که اگر شخص مال دیگری را بدون اجازه و رضای او از بین ببرد، آن مال بر عهده‌ی او خواهد بود و باید با پرداخت مثل در مثلیات و قیمت در قیمیات به صاحب مال تلف شده از عهده‌ی آن برآید.

تسبیب نوعی اتلاف است، به این تعبیر که در اتلاف، شخص مستقیماً و بالمباشره باعث اتلاف مال می‌گردد؛ ولی در تسبیب، عمل مسبب مع‌الواسطه سبب می‌شود که مال غیر از بین برود. اگر شخصی مال منقول یا غیرمنقول دیگری را مباحثراً آتش بزند یا حیوان متعلق به دیگری را بکشد، متلف است. اما اگر مسیر عمومی چاهی حفر کند و حیوان متعلق به دیگری در آن بیفتد و بمیرد، مسبب است.

در تسبیب، عمل شخص مستقیماً و مباحثراً مال دیگری را از بین نمی‌برد، بلکه رابطه‌ی بین عمل شخص و تلف مال به این‌گونه است که اگر آن عمل واقع نشود، تلف مال نیز اتفاق نمی‌افتد.

بدیهی است اگر استعمال دخانیات حرام باشد، دولت اسلامی که بخشی از بودجه را صرف حمایت از کشت توتون و تنباکو می‌کند و سپس به تولید انواع دخانیات می‌پردازد و آن‌ها را با سهولت در اختیار فروشندگان قرار می‌دهد و فروشندگان که آن را در معرض خرید می‌گذارند، براساس قاعده‌ی تسبیب ضامن ضرری هستند که بر مصرف‌کنندگان وارد می‌شود و در نتیجه این کار آنان حرام است.

۴- ادله‌ی حلیت خرید و فروش دخانیات

اکثر فقهای که قائل به حرمت استعمال دخانیات هستند، درباره‌ی خرید و فروش آن سکوت کرده و حتی در مواردی به حلیت بیع آن فتوا داده‌اند و همین امر موجب شده تا حکومت اسلامی خود متولی خرید و فروش و واردات دخانیات باشد. این فقها برای رفع حرمت از بیع دخانیات به قواعدی استناد کرده‌اند.

۴-۱- قاعده‌ی تحذیر

براساس این قاعده، اگر کسی پیش از اقدام به کاری که احتمال دارد از رهگذر اعمال آن خطری متوجه دیگری گردد، هشدار دهد با وجود این، مخاطب یا شنونده به هشدار وی بی-توجهی کند و ترتیب اثر ندهد و خود را در معرض خطر قرار دهد و در نتیجه‌ی فعل هشداردهنده خسارتی به هشدارشونده وارد آید، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت. این قاعده به صورت یک قاعده‌ی مجزا در کتاب‌های فقهی گذشته وجود ندارد، بلکه در حقیقت با بررسی یک فتوای شیخ طوسی پر و بال گرفته و در نهایت به این صورت درآمده که: «هرگاه شخصی در محل مسابقه از فاصله‌ی میان تیراندازان و هدف عبور کند و مورد اصابت تیر قرار گیرد، چنانچه تیرانداز هشدار داده باشد، به طور مطلق ضامن نیست. ولی اگر هشدار نداده باشد، اگر محل در مالکیت تیرانداز بوده و مصدوم بدون اجازه‌ی او وارد شده باشد باز هم ضامن نیست و چنانچه با اجازه‌ی او وارد شده یا محل ملک تیرانداز نبوده و هشدار نداده است بر عاقله‌ی او ضمان خواهد بود» (محقق داماد، ۱۳۸۹هـ.ق، ج ۲، ص ۲۳۵) اما پژوهشگران معاصر اغلب به عنوان یک قاعده‌ی مستقل به آن پرداخته‌اند.

اما چنانچه شهید ثانی در *مسالك الافهام* فرموده است، شرایطی برای رفع مسئولیت لازم است: «ضمن وقتی بر عهده‌ی رامی قرار نمی‌گیرد که هشدار بدهد، به گونه‌ای که مرمی آن را بشنود و قدرت بر فرار از حادثه نیز داشته باشد. پس اگر مرمی صدای رامی را شنید یا امکان فرار و دور شدن از صحنه‌ی خطر را نداشت، دیه بر عاقله‌ی رامی است» (شهید ثانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲). بنابراین برای رفع مسئولیت، عناصری لازم است:

الف - هشدار مؤثر: رامی باید به نحو مؤثر و با هر وسیله‌ی ممکن هشدار و اعلام خطر را به گوش کسانی که در معرض خطر هستند، برساند. آشکار است که این اعلام با توجه به مکان و موضوع خطرآفرین متفاوت خواهد بود. هشدار باید به گونه‌ای باشد که در صورت

لزوم، حذار دهنده بتواند ثابت کند که در حد متعارف هشدار لازم را داده است و برای محکمه نیز با توجه به عرف متعارف درباره‌ی موضوع خاصی که مرافعه نسبت به آن جاری است، پذیرفتنی باشد که اعلام خطر انجام گرفته است.

ب - وصول هشدار به خسارت‌دیده: خسارت‌دیده باید هشدار را بشنود. بنابراین در مواردی که مرمی کر و ناشنواست یا صداهای دیگر چنان در محیط پیچیده که بر صدای هشداردهنده غالب بوده، مانع رسیدن هشدار وی به مخاطبان می‌شود و مسئولیت باقی خواهد ماند.

ج - امکان فرار برای خسارت‌دیده: مخاطب باید زمان کافی و توانایی و قدرت جسمی برای گریز از صحنه‌ی خطر را داشته باشد و شرایط محیط و اوضاع و احوال صحنه‌ی خطر نیز، اجازه‌ی دور شدن را به او بدهد.

قاعده‌ی تحذیر در قوانین وضعی در موارد متعددی آمده است؛ از جمله در آیین‌نامه‌ی ممنوعیت استعمال دخانیات نیز مطالبی آمده است که می‌توان تأثیر این قاعده را در توجه قانون‌گذار نسبت به مواد قانونی حسب مورد، دریافت. در ماده‌ی ۱ در تبصره‌ی ۲ این ماده آمده است: «مسئولان اماکن عمومی موظفند تابلوی ممنوعیت مصرف دخانیات را به تعداد مناسب در محل‌هایی که قابل رؤیت باشد، نصب نمایند و ممنوعیت استعمال دخانیات در اماکن عمومی را یادآور شوند».

در تبصره‌ی ماده‌ی ۲ از این قانون نیز آمده است: «شرکت دخانیات ایران موظف است هشدارهای لازم مربوط به مضرات سیگار را روی بسته‌های سیگار اعلام نماید» (فلاح، بی‌تا، ص ۴۷ تا ۵۷).

۲-۵- قاعده‌ی اقدام

معنای این قاعده این است که کسی با علم، قصد و رضا اقدام به ضرر یا ضمانی نماید. به تعبیر دیگر با اسقاط احترام مالش، ضرر یا ضمانی را بپذیرد؛ مثل این که مالی را به بهای بیش‌تر بخرد یا به دیگری دستور دهد که مالش را به دریا بریزد، در این صورت مال از کیسه‌ی خودش رفته و کسی ضامن او نخواهد بود.

یکی از موارد جریان و تطبیق قاعده‌ی اقدام در هنگامی است که شخص با وجود هشدار و تحذیر و رسیدن هشدار به وی و امکان فرار از خطر، بر ضرر مال یا جان یا اعضا و جوارح

خود اقدام می‌کند. امروزه خرید و استعمال دخانیات از مصادیق این مورد است و کسی نیست که از مضرات دخانیات آگاه نباشد، به ویژه با وجود هشدارهایی که در سطح شهر و روی پاکت‌های سیگار و توتون مخصوص قلیان‌ها نصب شده است.

نتیجه

بررسی مبانی فقهی و اصولی موافقان و مخالفان استعمال و بیع دخانیات نشان می‌دهد که «عرف» تا چه اندازه در اتخاذ دیدگاه آنان مؤثر بوده است. بعید نیست انگیزه و هدف بسیاری از فقها براساس اصل براءة حلیت استعمال دخانیات را مطرح و بر آن تأکید کردند و از در مخالفت با اصل احتیاط وارد شدند و خود در ملأعام و آشکارا و حتی در روزهای مستحبی به استعمال دخانیات پرداختند (مجلسی، ۱۴۰۴هـ.ق، ج ۱۰۲، ص ۱۰۴)، مبارزه با اندیشه‌ی «اخباری‌گری» بود که در آن زمان رو به رشد و توانمندی می‌گذاشت و اعتقاد به حلیت یا حرمت استعمال دخانیات، وجه تمایز اصولیون با اخباریون (و البته با علمای اهل تسنن) شناخته می‌شد، ضمن آن‌که جز استناد به اصل احتیاط هیچ دلیل جدی دیگری برای این حرمت وجود نداشت. عرف آن روز استعمال دخانیات را کار زشتی نمی‌شمرد، بهای آن زیاد نبود و حتی طب آن دوره نیز منفعت‌هایی را (شاید به این دلیل که در آن هنگام توتون و تنباکو به‌طور خالص و بدون مخلوط شدن با مواد سمی مورد مصرف قرار می‌گرفت) برای توتون و تنباکو لحاظ می‌کرد (اصبعی، بی‌تا، ص ۱۸).

از سوی دیگر علمای اهل تسنن و اخباریون شیعه با توجه به این‌که روابط ممالک اسلامی با بلاد کفر رو به افزایش بود و احتمال می‌رفت ورود دخانیات سرآغاز ورود سایر تحفه‌های فرنگ به جامعه‌ی اسلامی باشد، در حقیقت به‌زعم خود برای پیش‌گیری از هرج و مرج در فقه و ورود افراد ناباب و باورهای غیر واقعی به فضای فقه، شروع به مخالفت با استعمال دخانیات کردند و به نگارش رساله‌هایی در تحریم شرب تنن روی آوردند.

امروز نیز بیش از هر عامل دیگری، «عرف» بر فتوای فقهای مخالف و موافق با استعمال دخانیات مؤثر بوده است. به راستی آیا «تشخیص ضرر»، تعیین مصداق «اسراف» و «لهو»، مفهوم «تشبه به کفار» و تشخیص مسکر بودن دخانیات جز از راه مراجعه به «عرف» میسر است؟

بنابراین اگر امروز دانش پزشکی به ضرر قابل اعتنای دخانیات تأکید کند و استعمال دخانیات در اجتماع امری منفور به شمار آید یا ضررهای اقتصادی غیرقابل جبرانی بر حکومت اسلامی وارد کند و این امور برای فقیه محرز و مسلم شود، کراهت آن که ثابت بوده، بعید نیست که بتواند به حرمت آن فتوا دهد. البته توجه به سه نکته‌ی اساسی در این رابطه الزامی است:

- الف - معنا و حدود و ثغور اعتبار عقل، مستقلات عقلیه، سیره‌ی عقلا و عرف از سوی فقها به روشنی و وضوح و بدون ابهام، بیان و به کلیه‌ی شبهات در این باره پاسخ داده شود.
- ب - صدور فتوای قطعی در حرمت استعمال دخانیات نیازمند تأملی جدی است و موجب عسر و حرج خواهد بود؛ زیرا پیامدهایی را در سایر احکام در پی خواهد داشت، زیرا تا امروز استعمال دخانیات هیچ جایگاهی در احکام و قوانین حقوقی و مدنی اسلام نداشته، نه حدی بر مصرف‌کننده‌ی آن جاری شده، نه (مانند اعتیاد) جزو شروط فسخ‌کننده‌ی عقد به شمار آمده، نه به عدالت شهود و ائمه‌ی جماعات و اعلمیت مراجع تقلید ضرر زده، نه حتی خرید و فروش آن ممنوع شده (که همواره حکومت اسلامی متولی بیع کلی آن بوده) و نه ضمن هیچ قانون دیگری نامی از آن برده شده است. در نتیجه اجماع بر حرمت استعمال و به ویژه بیع دخانیات، نیازمند یک بازنگری کلی در برخی قوانین خواهد بود.
- ج - این نکته را نیز نباید فراموش کرد که اگر عرف از نیازها و مصلحت‌های زمان سرچشمه گرفته باشد، تنها در همان زمان و مکان ارزش خواهد داشت، نه برای عرف دیگری که آن مصلحت‌ها و نیازها را ندارد (ولایی، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۲۱۸). بنابراین تعیین حکم استعمال دخانیات نباید به عنوان حکمی دائمی و ثابت تلقی شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اراکی، محمدعلی، کتاب الطهارة، ج ۱، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۳. اصبعی الشاخوری البحرانی، سلیمان علی بن سلیمان، رساله فی تحلیل شرب التتن و القهوه، نسخه خطی، نجف اشرف، مؤسسه کاشف الغطاء العامه، بی تا.
۴. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج ۱، قم، انتشارات دهقانی، ۱۳۷۵ هـ.ش.

۵. _____ ، کتاب المکاسب، چ ۱، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵هـ.ق.
۶. بجنوردی، سیدمحمد، قواعد فقهیه، چ ۳، تهران، مؤسسه عروج، ۱۴۰۱هـ.ق.
۷. برفی، محمد، از میکرده تا ماتمکده/اعتیاد، چ ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲هـ.ش.
۸. جمعی از بزرگان، تاریخ الفقهاء و الرواة، علی‌رضا رحیمی ثابت، نرم افزار «جامع فقه اهل بیت (ع)»
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، الفوائد الطوسیة، سیدمهدی لاجوردی حسینی و محمد درودی، چ ۱، قم، چاپ‌خانه علمیه، ۱۴۰۳هـ.ق.
۱۰. _____ ، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چ ۱، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹هـ.ق.
۱۱. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، چ ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳هـ.ق.
۱۲. حلی (محقق)، نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چ ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸هـ.ق.
۱۳. خضری، محمد، معامله مواد مخدر و حکم شرعی آن، حامد دانشور، چ ۱، بی‌جا، مؤسسه انتشارات حسینی، بی‌تا.
۱۴. روحانی، سیدصادق، فقه الصادق (ع)، چ ۱، قم، دارالکتاب، ۱۴۱۲هـ.ق.
۱۵. صدر، سیدمحمدباقر، دروس فی علم الاصول، چاپ، محل، دارالمنتظر، ۱۴۰۵هـ.ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، چ ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳هـ.ق.
۱۷. صرامی، رضا؛ اسعدی، سیدحسن؛ مرادی، محمود، مواد مخدر از دیدگاه فقه‌های شیعه، چ ۱، بی‌جا، انتشارات اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۸هـ.ش.
۱۸. صنعانی، سیدعمادالدین یحیی، المواظ الحسنة الحسینیة فی مستعمل شرب التتن، دکتر عبدالله طیار، نسخه الکترونیکی سایت منارالاسلام، مصر.
۱۹. طاهری، حبیب‌الله، قواعد فقه، چ ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷هـ.ش.
۲۰. طباطبایی قمی، سیدتقی، الانوار البهیة فی القواعد الفقهیة، چ ۱، قم، انتشارات محلاتی، ۱۴۲۳هـ.ق.
۲۱. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، بی‌جا، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳هـ.ق.
۲۲. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیة، بی‌جا، قم، مهر، ۱۴۱۶هـ.ق.

۲۳. فلاح، مهدی، قاعده تحذیر در رویکرد فقهی و حقوقی، مجله معرفت، شماره ۱۰۶.
۲۴. قمی (محدث)، شیخ عباس، غایة القصوى فى ترجمة عروة الوثقى، ج ۱، قم، منشورات صبح پیروزی، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۲۵. کاشف الغطاء، شیخ جعفر، الحق المبين فى تصویب المجتهدین و تخطئة الاخباریین، نجف اشرف، مؤسسه کاشف الغطاء العامة، نسخه الکترونیکی.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، بی‌جا، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۲۷. لاری، سید عبدالحسین، التعلیقه على المكاسب، ج ۱، قم، مؤسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بی‌جا، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۲۹. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ج ۱، قم، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۳۰. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، ج ۲۸، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۹ هـ.ق.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، ج ۲، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع)، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۳۲. ———، بحوث فقهیه هامه، ج ۱، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب «علیه‌السلام»، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۳۳. موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا، مجمع المسائل، ج ۲، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۳۴. مهربان رودینه، احمد، مواد مخدر از دیدگاه فقه امامیه، ج ۱، محل، انتشارات بلور، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۳۵. نایینی، محمدحسین، اجود التقريرات، ابوالقاسم خویی، بی‌جا، قم، انتشارات مصطفوی، ۱۳۶۸ هـ.ق.
۳۶. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فى شرح شرایع الاسلام، ج ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳۷. نراقی، مولی محمد مهدی، انیس التجار (محشی)، ج ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۵ هـ.ق.
۳۸. نوری، یحیی، فتاوی تحریم دخانیات و مواد مخدر، ج ۲، بی‌جا، انتشارات نوید نور، بهار ۱۳۸۵ هـ.ش.
۳۹. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ج ۶، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۴۰. یوسفی، احمد علی، پول جدید از نگاه اندیشمندان، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۱۶.